

بررسی ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی با تأخیر حسابداری

رویا دارابی^۱، ندا رضازاده^۲

^۱ دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکترا حسابداری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی (درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اعضای غیر موظف) با تأخیر حسابداری می‌باشد. بر این اساس درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اعضای غیر موظف به عنوان پروکسی ساختار حاکمیت شرکتی متغیرهای مستقل و تأخیر حسابداری به عنوان متغیر وابسته تعیین شده اند. برای آزمون فرضیات تحقیق از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد. برای انتخاب نمونه شرکتهای مورد آزمون، هر شرکتی که معیارهای انتخاب نمونه را دارا نبود به طور سیستماتیک از نمونه شرکتهای حذف شد. در نهایت طبق محدودیتهای نمونه گیری، نمونه نهایی ۳۰۰ شرکت در دوره آزمون بین سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ و در مجموع تعداد ۶۰۰ سال - شرکت انتخاب شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد اعضای غیر موظف ارتباط معناداری وجود دارد. و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش ساختار حاکمیت شرکتی، میزان تأخیر حسابداری به صورت معناداری کاهش می‌یابد و بالعکس.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، حسابداری، تأخیر حسابداری، سهامداران نهادی، اعضای غیرموظف

مقدمه

یکی از منابع مهم اطلاعاتی برای استفاده کنندگان، صورتهای مالی حسابرسی شده است. به موقع بودن سودمندی اطلاعات را افزایش و تأخیر از ارزش اقتصادی آن می‌کاهد. تحقیقات گذشته نشان می‌دهند که گزارش مالی به موقع باعث افزایش محتوای اطلاعاتی شده و بر ارزش شرکت تأثیر میگذارد (بلانکلی و همکاران^۱، ۲۰۱۴). نظر به اهمیت افشای به موقع اطلاعات، عوامل تعیین کننده ی آن، اهمیت زیادی در پژوهشهای حسابداری و مالی پیدا کرده است (لونتیس و همکاران^۲، ۲۰۰۵؛ عفیفی^۳، ۲۰۰۹). با توجه به اینکه اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان بسیار حساس است و با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم گیریها از دست میدهد (مهدوی، حسینی نیا، ۱۳۹۳)، هر چه فاصله ی زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارش حسابرسی کوتاه تر باشد، ارزش اطلاعاتی افزایش و به تبع آن کارایی بازار تقویت میشود. به هنگام بودن صورتهای مالی حسابرسی شده به عنوان یک منبع اطلاعاتی مهم ارزش اقتصادی اطلاعات را افزایش میدهد (برزیده، معدنچی ها، ۱۳۹۳). حسابرسی مستقل از طریق اعتباربخشی به گزارشهای مالی اعتماد استفاده کننده به اطلاعات مالی را افزایش میدهد. انتشار گزارشهای مالی سالانه قبل از اظهارنظر حسابرس (صفایی و همکاران، ۱۳۹۵) عموماً مستقل صورت نمیگیرد. یکی از دلایل اصلی عنوان شده از سوی شرکتهای برای تأخیر در انتشار گزارشهای سالیانه نیاز به انجام حسابرسی است، به عبارت دیگر طولانی شدن زمان انتشار گزارشهای مالی و طولانی شدن عملیات حسابرسی درهم پیچیده شده اند و به صورت مترادف در ادبیات گزارشگری مالی به کار گرفته میشوند (چراغکت و همکاران، ۱۹۹۷) همچنین تاریخ انتشار، به طور معمول تاریخ امضای گزارش حسابرسی مستقل در نظر گرفته میشود و شرکتهای می‌توانند پس از تأیید حسابرس، گزارش سالیانه ی خود را منتشر کنند. بنابراین میتوان بیان نمود که تأخیر در ارائه ی گزارش حسابرسی ویژگی به موقع بودن اطلاعات یا به طور کلی ارزش اطلاعاتی صورتهای مالی حسابرسی را کاهش میدهد (خانچل، پابن، ۲۰۰۱). علاوه بر این بامبر و همکاران^۴ (۱۹۹۳) به دو دلیل تأخیر گزارش حسابرسی را مهم میدانند: اول (تأخیر گزارش حسابرسی هم بر به هنگام بودن حسابرسی مؤثر است و هم بر ارزش بینش اطلاعات. دوم) درک بهتر از عواملی که بر تأخیر گزارش حسابرسی مؤثر است، احتمالاً بینش بیشتری درباره ی کارایی حسابرسی فراهم میکند.

بر این اساس درک عوامل مؤثر بر تأخیر در ارائه ی گزارش حسابرسی دارای اهمیت فزاینده ای است. زیرا به طور مستقیم بر به موقع بودن گزارشگری مالی به عنوان یک ویژگی کیفی مهم اثر میگذارد (کارسالو، کاپالن^۵، ۱۹۹۱). در این راستا تأثیر سه دسته از عوامل مؤثر در ارائه ی به موقع گزارش حسابرسی، (الف) ویژگی های مرتبط با حسابرس و حسابرسی؛ (ب) ویژگی حاکمیت شرکتی؛ (ج) ویژگیهای خاص شرکت بررسی شده است. گروه اول عوامل مربوط به حسابرس و حسابرسی نظیر اندازه ی مؤسسه ی حسابرسی، تخصص مؤسسه ی حسابرسی، اظهار نظر مشروط، حق الزحمه ی حسابرسی، چرخش حسابرس، فصل حسابرسی و نقاط ضعف کنترل داخلی را شامل میشود که ممکن است بر ارائه ی به موقع گزارش حسابرسی تأثیرگذار باشند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۹) گروه دوم مربوط به سازوکارهای حاکمیت شرکتی است. از این جمله تخصص مالی کمیته ی حسابرسی، تمرکز مالکیت و اندازه ی هیئت مدیره مطالعه شده است.

¹ Blankley, A., Hurr, D. & Macgregor, J

² Leventis, S., Weetman, P. & Caramanis, C

³ Afify, H. A. E.

⁴ Bamber, E. M., Bamber, L. S., & Schoderbek, M. P

⁵ Carlsaw, C. A., & Kaplan, S. E

از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که آیا بین ساختار حاکمیت شرکتی با تأخیر حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر؟

مبانی نظری

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی به مجموعه ای از سازوکارها اطلاق میگردد که در راستای همسویی منافع مالکان شرکت و مدیران آن بهکار گرفته میشود و با تمرکز بر کاهش تضاد منافع میان این دو گروه و در نتیجه، کاهش هزینه های نمایندگی، به افزایش ارزش شرکت در بلند مدت منجر خواهد شد (مشایخی و شاکری، ۱۴۰۱). یک سازوکار خوب حاکمیت شرکتی میتواند ابزارهای مدیریتی مناسبی را به منظور ارتباط میان ذینفعان (مدیران، سرپرستان، سهامداران و سایرین) با تأکید بر اصول پاسخگویی، استقلال، انصاف، و شفافیت فراهم آورد، که هدف آن محدود ساختن رفتارهای فرصتطلبانه مدیران و رفتارهای غیرمسئولانه آنها نسبت به سهامداران و ذینفعان میباشد (نیکبخت و احمد خان بیگی، ۱۳۹۷). سازوکارهای حاکمیت شرکتی مانند استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، مالکیت نهادی، و تمرکز مالکیت نقش مهمی در همسوسازی منافع مدیر با گروه سهامداران بزرگتر ایفا می نمایند. به بیان چوی و همکاران^۶ (۲۰۱۳) رفتار فرصت طلبانه مدیریت زمانی کاهش مییابد که شرکت دارای سازوکار نظارتی مؤثر باشد.

مالکیت نهادی

سرمایه گذاران نهادی موظفند از منافع خود محافظت نموده و اطمینان حاصل نمایند که منافع شخصی مدیران بر منافع سهامداران اولویت نداشته باشد. سهامداران نهادی با توجه به حجم قابل توجه سهام آنها در مقایسه با سایر سهامداران، در معرض ریسک بالاتری قرار دارند و این منجر به انگیزه بیشتر آنها برای کنترل مدیر می شود (بورتی، سان و لی^۷، ۲۰۱۹). همچنین، با توجه به درصد مالکیت آنها، سرمایه گذاران نهادی در جمع آوری و تفسیر اطلاعات خاص شرکت، تصمیمات و عملیات مدیریت نسبت به سایر سرمایه گذاران، کارآمدتر هستند (ساموئل^۸، ۱۹۹۶). سرمایه گذاران نهادی تأثیرگذار، نقش فعالی در کاهش مشکل نمایندگی دارند. جیراپون و گلیسون^۹ (۲۰۰۷) و لیائو و همکاران (۲۰۱۵) شواهدی ارائه دادند مبنی بر اینکه سرمایه گذاران نهادی به طور قابل توجهی باعث کاهش فعالیتهای مدیریت سود میشوند و به منظور تسهیل تصمیمات سرمایه گذاری خود، افشای اطلاعات حسابداری با کیفیت تری را از شرکتها مطالبه مینمایند. سرمایه گذاران نهادی میتوانند تصمیمات شرکتی را از طریق حق رأی قابل توجه خود در شرکت تحت تأثیر قرار داده و با توجه به ظرفیت خود برای نظارت بر افشای شرکتها، میتوانند هرگونه استفاده نامطلوب مدیریتی از افشای CSR آن را محدود نمایند (چوی، لی و پارک^{۱۰}، ۲۰۱۳).

⁶ Choi, Lee & Park

⁷ Buerthey, Sun, Lee & Hwang

⁸ Samuel

⁹ Jiraporn & Gleason

¹⁰ Choi, Lee & Park

مروری بر پیشینه پژوهش

پورحیدری و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی اثر مشغله شریک حسابرس بر کیفیت حسابرسی، تاخیر گزارش حسابرس و هزینه سرمایه پرداختند. بر اساس یافته‌ها، فرضیه اول، دوم و سوم تایید شدند و مشغله شریک حسابرس با تاخیر گزارش حسابرس و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معنادار و با کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار دارد. مشغله شرکای حسابرسی باعث تاخیر گزارش حسابرس، کاهش کیفیت حسابرسی و افزایش هزینه سرمایه می‌شوند.

واعظ و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه تاثیر انحراف توجه سهامداران نهادی بر قابلیت مقایسه صورتهای مالی پرداختند. نتیجه به‌دست‌آمده بیانگر این است که انحراف توجه سهامداران نهادی، قدرت نظارتی سرمایه‌گذاران نهادی را خنثی، نتایج حاکمیت شرکتی را تضعیف، رویکرد منفعلانه و فرصت طلبانه مدیریت را تقویت و در نتیجه کیفیت پایین گزارشگری و قابلیت مقایسه کمتر صورتهای مالی را در پی دارد. به‌طورکلی این یافته‌ها مطابق با فرضیه منافع شخصی سهامداران نهادی است و می‌تواند پیامدهای اقتصادی مهمی برای دیگر سرمایه‌گذاران داشته باشد.

رضایی و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر تعامل جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد در همگام سازی بازده سهام پرداختند. نتایج آزمون فرضیه ها نشان می دهد کیفیت حاکمیت شرکتی بر تعامل بین بازده سالانه سهام، تعامل بین تمرکز مالکیت، گردش معاملات و همگام سازی بازده سهام تاثیر معنی داری دارد. اما کیفیت حاکمیت شرکتی بر تعامل بین عمر شرکت، اندازه شرکت، رشد شرکت، نقدشوندگی و همگام سازی بازده سهام تاثیر معنی داری ندارد.

افخمی و همکاران (۱۴۰۲) به مطالعه تاثیر افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس مستقل بر حق الزحمه حسابرسی و تاخیر در صدور گزارش حسابرس پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که گنجاندن مسائل عمده حسابرسی در گزارش‌های حسابرس مستقل منجر به تأخیر در صدور گزارش حسابرسی می‌شود. همچنین ما شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت معنادار بین مسائل عمده حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی ارائه می‌دهد. یافته‌های ما به تدوین کنندگان قوانین و مقررات و ناظران برای درک بهتر عواقب استانداردهای حسابرسی جدید کمک می‌کند.

مشایخی و همکاران (۱۴۰۲) به مطالعه افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت: نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان افشای CSR و مدیریت سود تعهدی و واقعی، به‌ترتیب ارتباط مثبت و منفی وجود دارد. همچنین استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی، ارتباط میان افشای CSR و مدیریت سود واقعی و تعهدی را به‌ترتیب تقویت و تضعیف می‌کنند. علاوه بر این، نتایج آزمون علیت معکوس، ارتباط دو طرفه میان افشای CSR و مدیریت سود را تأیید کرد.

ارشادی و همکاران (۱۴۰۲) به مطالعه بررسی تأثیر گزارشگری پایداری بر ایجاد ارزش افزوده بازار توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به نقش تعدیلگر عوامل حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد ارزش افزوده بازار توسط شرکت، تأثیرپذیری مطلوبی از گزارشگری پایداری دارد. به عبارت دیگر بهبود گزارشگری پایداری می‌تواند به صورت بسزایی بر توان شرکت و مدیریت که وظیفه راهبری شرکت را دارد برای ایجاد ارزش افزوده بازار بیافزاید. علاوه بر آن عوامل حاکمیت شرکتی به عنوان یک عامل کنترلی می‌تواند موجب هم‌افزایی در رابطه بین گزارشگری پایداری و ایجاد ارزش افزوده بازار توسط شرکت گردد.

شکاری استیاری و انورخطیبی (۱۴۰۲) به مطالعه تاثیر حاکمیت شرکتی بر متنوع سازی شرکتی با تاکید بر عدم شفافیت سود پرداختند. نتایج نشان داد که بهره‌گیری از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موجب محدودسازی انگیزه متنوع سازی مدیران

می‌شود. از سوی دیگر، زمانی که عدم شفافیت سود بالا است، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی توانایی کافی جهت محدود کردن انگیزه متنوع سازی شرکتی ندارند.

سحری و حیدرپور (۱۴۰۲) ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت را بررسی کردند. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت بر مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری دارند. نتایج همچنین نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری دارند.

چاوهران^{۱۱} (۲۰۲۳) نشان می‌دهند یک چارچوب حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌های خانوادگی ممکن است تأثیر منفی مشکلات را کاهش دهد و از سازکارهای حاکمیت شرکتی مانند نظارت بر تصمیمات کنترل کننده سهامداران خانوادگی و حفاظت از دارایی‌های شرکت در برابر سوء استفاده مالیاتی زیادی برای شرکت‌های خانوادگی به همراه دارد.

الزبای (۲۰۲۱) تأثیر عملکرد شرکت بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت سود را بررسی کرد. وی نشان داد که بهبود عملکرد شرکت بر کیفیت سود تأثیر مثبتی دارد و موجب افزایش کیفیت سود در بلندمدت می‌شود. همچنین او نشان داد که عملکرد شرکت یک تأثیر تعدیل کننده بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود دارد به طوری که میتواند تأثیر مثبت این رابطه را تشدید کند.

تاها و عمران^{۱۲} (۲۰۲۰) در پژوهشی مالکیت نهادی بر اهمیت ارزش اطلاعات حسابداری^{۱۱} با استفاده از تئوری نمایندگی را بررسی نمودند، این مطالعه با هدف ارزیابی ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری منتشر شده توسط بنگاه‌های غیر مالی که در بورس سهام کویت برای دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۸ منتشر شده اند. نتایج نشان می‌دهد که میزان اطلاعات حسابداری منتشر شده در این دوره زمانی متفاوت می‌باشد که سطح مالکیت نهادی تأثیر معناداری و مثبت در اطلاعات حسابداری منتشر شده دارد.

الیه (۲۰۱۹) نشان داد پس از ادغام مؤسسات حسابرسی شرکت‌های حسابرسی شده تأخیر کمتر در ارائه گزارش حسابرسی داشته اما شواهدی از افزایش حق الزحمه با کاهش کیفیت حسابرسی به دنبال ادغام مؤسسات حسابرسی به دست نیامد. ژانگ و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر سهامداری سهامداران نهادی و معاملات بر روی همزمانی قیمت سهام بین سالهای ۲۰۰۲-۲۰۵۲ پرداخته اند. با بررسی رفتارهای تجاری و سهامداری سهامداران نهادی، نتایج بیانگر آن است که همزمانی کلی قیمت سهام در بازار سهام چین بالا بوده و قیمت سهام با وجود سهامداران نهادی بالا، پایینتر است. در حالیکه افزایش معاملات سهامداران نهادی نتوانست همزمانی قیمت سهام را کاهش دهد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و تأخیر حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین درصد اعضای غیرموظف و تأخیر حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

¹¹ Gupta and chawhan

¹² Tahat & Omran

¹³ Zhang et al

روش شناسی پژوهش

اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از صورتهای مالی و گزارشهای مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین، نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج شد. داده‌های به کار رفته در این پژوهش بر پایه اطلاعات تاریخی شرکتهای به دست آمده‌اند و از سامانه بورس اوراق بهادار تهران و با استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین و صورتهای مالی شرکتهای نمونه گردآوری شده‌اند. محاسبه متغیرهای پژوهش در صفحه گسترده اکسل و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ (دوره ۸ ساله) است.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که با تعدیل این جامعه با قید محدودیتهای زیر، نمونه آماری مشخص گردید.

قبل از سال مالی ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و نام آنها تا پایان سال ۱۴۰۱ از فهرست شرکتهای یاد شده حذف نشده باشند.

جزء شرکتهای سرمایه‌گذاری، مالی و واسطه‌گری مالی نباشند.

در طی دوره پژوهش، توقف فعالیت نداشته باشند و یا اقدام به تغییر سال مالی ننموده باشند.

سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشند.

اطلاعات مورد نیاز متغیرهای پژوهش در خصوص آنها در دسترس باشند.

یافته‌های پژوهش**آمار توصیفی**

آمار توصیفی پژوهش حاضر که شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار، چولگی و ضریب کشیدگی می‌باشد به شرح نگاره (۱) است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
تاخیر حسابرسی	۴۳/۸۵۷	۴۳/۰۰۰	۵۸/۰۰۰	۳۱/۰۰۰	۷/۶۴۴
رشد شرکت	۲/۵۹۰	۲/۱۲۵	۴۴/۰۲۰	-۲۵/۸۹۰	۴/۹۳۱
عملکرد شرکت	۴۳۳۵۶۶	۴۴۵۸۳	۱۹۹۵۱۷۷۶	-۹۲۴۴۳۰	۲۰۲۷۲۷۰
اهرم مالی	۰/۵۷۸	۰/۳۷۷	۸/۰۷۷	۰/۰۰۰	۰/۷۵۱
اندازه شرکت	۲۲/۱۰۶	۲۲/۱۰۰	۲۴/۲۸۰	۲۴/۲۹۰	۰/۸۸۰
درصد مالکیت سهامداران نهادی	۰/۳۷۴	۰/۳۷۵	۰/۹۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۰۸
درصد اعضای غیرموظف	۱/۴۱۲	۱/۳۹۰	۱/۷۵۰	۱/۲۶۰	۰/۱۱۵

آزمون فرضیه‌های پژوهش

- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که «بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و تأخیر حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد»، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در همین راستا، برای برآورد مدل از متغیر وابسته یعنی تأخیر حسابرسی به همراه متغیر مستقل مالکیت سهامداران نهادی و متغیرهای کنترلی اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت و عملکرد شرکت استفاده بعمل آمده است. در ادامه، نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرهای مدل که در جدول شماره ۲ ارائه شده است، توضیح داده می‌شود.

جدول ۲: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل - فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
درصد مالکیت سهامداران نهادی	-۴/۸۵۵	۱/۴۷۱	-۳/۳۰۰	۰/۰۰۲
عملکرد شرکت	۰/۹۲۵	۰/۱۲۲	۷/۵۷۳	۰/۰۲۱
رشد شرکت	-۰/۲۲۱	۰/۰۹۵	-۲/۳۲۵	۰/۰۲۰
اهرم مالی	۰/۱۹۴	۰/۰۹۴	۲/۰۶۸	۰/۰۰۳
اندازه شرکت	۰/۱۶۹	۰/۰۳۹	۴/۳۲۸	۰/۰۰۲
مقدار ثابت	۲۷/۴۴۸	۱۱/۸۰۲	۲/۳۲۵	۰/۰۲۰

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل بیانگر این است که درصد مالکیت سهامداران نهادی به عنوان معیاری از حاکمیت شرکتی دارای تأثیر منفی بر تأخیر حسابرسی است. مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره نیز نشان‌دهنده این است که این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش درصد مالکیت سهامداران نهادی، میزان تأخیر حسابرسی به صورت معناداری کاهش می‌یابد و بالعکس. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت، اهرم مالی و اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تأخیر حسابرسی است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر کنترلی رشد شرکت نشان‌دهنده این است که رشد شرکت دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تأخیر حسابرسی است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که «بین درصد اعضای غیرموظف و تأخیر حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد»، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در همین راستا، برای برآورد مدل از متغیر وابسته یعنی تأخیر حسابرسی به همراه متغیر مستقل درصد اعضای غیرموظف و متغیرهای کنترلی اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت و عملکرد شرکت استفاده بعمل آمده است. در ادامه، نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرهای مدل که در جدول شماره ۳ ارائه شده است، توضیح داده می‌شود.

جدول ۳: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل - فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
درصد اعضای غیرموظف	-۳۵/۲۶۵	۳/۲۸۵	-۱۰/۷۳۶	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۵۴۳	۰/۰۸۱	-۶/۷۳۲	۰/۰۰۳
عملکرد شرکت	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۱۵/۴۸۹	۰/۰۰۲
اهرم مالی	-۰/۸۶۴	۰/۱۰۵	-۸/۱۹۵	۰/۰۰۲
اندازه شرکت	۰/۷۹۵	۰/۱۵۵	۵/۱۰۶	۰/۰۰۴
مقدار ثابت	۷۸/۷۱۳	۱۱/۰۹۲	۷/۰۹۶	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل بیانگر این است که درصد اعضای غیرموظف به عنوان معیاری از حاکمیت شرکتی دارای تأثیر منفی بر تاخیر حسابرسی است. مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره نیز نشان‌دهنده این است که این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش درصد اعضای غیرموظف، میزان تاخیر حسابرسی به صورت معناداری کاهش می‌یابد و بالعکس. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت و اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تاخیر حسابرسی است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی رشد شرکت و اهرم مالی نشان‌دهنده این است که رشد شرکت و اهرم مالی دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تاخیر حسابرسی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به معنادار بودن ضرایب معیارهای ساختار حاکمیت شرکتی در مدل‌های برآورد شده، در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش ساختار حاکمیت شرکتی (درصد مالکیت سهامداران نهادی)، تاخیر حسابرسی به صورت معناداری کاهش می‌یابد و بالعکس. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت و اهرم مالی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تاخیر حسابرسی است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی رشد شرکت و اندازه شرکت نشان‌دهنده این است که رشد شرکت و اندازه شرکت دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تاخیر حسابرسی است. همچنین با افزایش درصد اعضای غیرموظف، میزان تاخیر حسابرسی به صورت معناداری کاهش می‌یابد و بالعکس. و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش ساختار حاکمیت شرکتی، میزان تاخیر حسابرسی به صورت معناداری کاهش می‌یابد و بالعکس.

پیشنهادات حاصل از یافته‌های پژوهش

در خصوص نتایج حاصل از فرضیه تحقیق پیشنهاد می‌شود:

با توجه به نتیجه تحقیق حاضر وجود برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی سبب کاهش تاخیر مدیریت و تاخیر حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌گردد. لذا به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران توصیه می‌شود جهت اخذ

تصمیمات سرمایه‌گذاری، در کنار سایر اطلاعات، به اطلاعات مربوط به ویژگی‌های سیستم حاکمیت شرکتی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای نمایند و در ارزیابی‌های خود در مورد ریسک مرتبط با سهام مورد نظر این مسأله را مد نظر قرار دهند. با توجه به نتیجه تحقیق حاضر به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌گردد که به منظور پیشگیری از وقوع شرایطی که زمینه لازم را برای وقوع تاخیر حسابرسی شرکت فراهم می‌آورد در سیستم حسابداری خود توجه ویژه‌ای به این ویژگی‌ها نمایند. در این تحقیق میان صنایع مختلف شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تفکیکی به عمل نیامد محققان آتی می‌توانند، مدل تحقیق حاضر را برای صنایع مختلف به طور جدا مورد بررسی و به تحلیل نتایج هر یک به صورت جدا و یا در مقایسه صنایع مختلف با یکدیگر بپردازند و با توجه به منسجم شدن میزان متغیر مستقل تحقیق در صنایع مختلف احتمال حصول نتایجی شفاف تر و قابل اتکاء تر مورد انتظار می‌باشد.

بررسی روابط فوق با استفاده از سایر روش‌های آماری مانند سری‌های زمانی که می‌تواند با کاهش خطاهای آماری ممکنه نتایج تحقیق را بهتر بیان کند.

منابع

۱. افخمی، محمد، & فاضلی، نقی. (۱۴۰۲). تاثیر افشای مسائل عمده حسابرسی در گزارش حسابرس مستقل بر حق الزحمه حسابرسی و تاخیر در صدور گزارش حسابرس. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، (۱)، - . doi: 10.22034/jpar.2024.2011171.1219
۲. برزیده، فرخ؛ معدنچیها، مجتبی. (۱۳۹۳). تأثیر تخصص مؤسسه‌ی حسابرسی در صنعت بر تأخیر گزارش حسابرسی. فصلنامه‌ی حسابرسی، نظریه و عمل، ۱۱(۱): ۱۹-۱۹.
۳. پورحیدری، امید، سلطانی نژاد، احمدصادق، & سلطانی نژاد، ابراهیم. (۱۴۰۳). اثر مشغله شریک حسابرس بر کیفیت حسابرسی، تاخیر گزارش حسابرس و هزینه سرمایه. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۴(۱)، - . doi: 10.22051/jera.2023.43927.3138
۴. رشادی، مهدی، حاجیه‌ها، زهره، صفا، مزگان، مقدم، حسین. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر گزارشگری پایداری بر ایجاد ارزش افزوده بازار توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به نقش تعدیلگر عوامل حاکمیت شرکتی Accounting. (2) 3, Corporate Governance Research, and 71-90.
۵. رضایی، ندا، پاک مرام، عسگر، عبدی، رسول، & اقدام مزرعه، یعقوب. (۱۴۰۳). بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر تعامل جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد در همگام سازی بازده سهام. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۳(۵۲)، ۹۳-۱۲۵.
۶. شکاری استیوار، زهرا، انورخطیبی، سعید. (۱۴۰۲). تأثیر حاکمیت شرکتی بر متنوع سازی شرکتی با تاکید بر عدم شفافیت سود Accounting and Corporate Governance Research. (2) 3, 129-150.
۷. صفایی، سید عماد؛ همتی، حسن؛ داغانی، رضا. (۱۳۹۵). ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر تأخیر در گزارشگری مالی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۸(۳۱): ۲۴-۱.

۸. مشایخی، بیتا، حسن زاده، شادی، سماوات، میلاد، & نظری، سعیده. (۱۴۰۲). افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت: نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۰(۳)، ۵۶۰-۵۸۹. doi: 10.22059/acctgrev.2023.361761.1008833
۹. مشایخی، بیتا و شاکری، مهین (۱۴۰۱). راهبری شرکتی: مفاهیم و موردکاوی (چاپ دوم)، انتشارات بورس.
۱۰. مهدوی، غلامحسین؛ حسینی نیا، سمیه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی بین سازوکار حاکمیت شرکتی و کاهش تأخیر در ارائه‌ی گزارش حسابرسی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۳(۲): ۷۵-۹۸.
۱۱. نیکبخت، محمدرضا و احمدخان بیگی، مصطفی (۱۳۹۷). تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۳) ۴۳۳-۴۵۵.
۱۲. واعظ، سید علی، بنابی قدیم، رحیم، قلمبر، محمد حسین، & قناد، علی. (۱۴۰۳). تأثیر انحراف توجه سهامداران نهادی بر قابلیت مقایسه صورتهای مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۴(۱)، ۱-۱۴. doi: 10.22051/jera.2023.44270.3148
13. Afify, H. A. E. (2009). Determinants of audit report lag: Does implementing corporate governance have any impact? Empirical evidence from Egypt. *Journal of Applied Accounting Research*, 10(1):56-86.
14. Bamber, E. M., Bamber, L. S., & Schoderbek, M. P. (1993). Audit structure and other determinants of ARL: An empirical analysis. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 12(Spring): 1-23.
15. Blankley, A., Hurtt, D. & Macgregor, J. (2014). The relationship between audit report lags and future restatements. *Journal of practice and theory*, 33(2): 27-57.
16. Buertey, S., Sun, E. J., Lee, J. S., & Hwang, J. (2020). Corporate social responsibility and earnings management: The moderating effect of corporate governance mechanisms. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(1), 256-271.
17. Carslaw, C. A., & Kaplan, S. E. (1991). An examination of audit delay: Further evidence from New Zealand. *Accounting and business research*, 22(85): 21-32
18. Choi, B.B., Lee, D. & Park, Y. (2013). Corporate Social Responsibility, Corporate Governance and Earnings Quality: Evidence from Korea. *Corporate Governance: An International Review*, 21(5), 447-467.
19. Gupta, P; Sharma, A; (2014). A study of the impact of corporate governance practices on firm performance in Indian and South Korean companies, *Procedia , Social and Behavioral Sciences*, 133(2), 4-11.
20. Jiraporn, P., & Gleason, K. C. (2007). Delaware incorporation and earnings management: An empirical analysis. *Journal of Applied Finance*, 17, 40-51.
21. Leventis, S., Weetman, P. & Caramanis, C. (2005). Determinants of audit report lag: Some evidence from the Athens stock exchange. *International Journal of Auditing*, 9(1): 45-58.
22. Liao, L.K., Mukherjee, T., & Wang, W. (2015). Corporate governance and capital market structure dynamics: An empirical study. *The Journal of Financial Research*, 38(2), 169-191.
23. Samuel, C. (1996). Stock market and investment: Governance role of the market. Policy Research Working Paper No. 1578, The World Bank, Washington DC.

24. Tahat, Y.A. Omran, M. (2020), "Does institutional ownership affect the value relevance of accounting information?", *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 28 No. 2, pp. 323-342.

Examining the Relationship Between Corporate Governance Structure and Audit delay

Abstract

The purpose of this research is to investigate the relationship between corporate governance structure (percentage of ownership by institutional shareholders and percentage of non-obligatory members) with audit delay. Based on this, the ownership percentage of institutional shareholders and the percentage of non-obligatory members have been determined as a proxy for corporate governance structure as independent variables and audit delay as a dependent variable. Multivariate regression method has been used to test research hypotheses. The statistical population of this research was considered companies accepted in Tehran Stock Exchange. To select the sample of companies to be tested, any company that did not meet the sample selection criteria was systematically removed from the sample of companies. Finally, according to the sampling limits, the final sample of 300 companies was selected in the test period between 2014 and 2021 and a total number of 600 companies. The results of the hypothesis test showed that there is a significant relationship between the ownership percentage of institutional shareholders and the percentage of non-obligatory members. And in total, it is concluded that with the increase of the corporate governance structure, the amount of audit delay decreases significantly and vice versa.

Keywords: Corporate Governance, Audit, Audit Delay, Institutional Shareholders, Non-Obligatory Members
